

بازنمود و برهم‌کنش اسطوره‌های گاو و ماه در داستان ماه‌پیشانی

* طیبیه شیخ‌ویسی^۱ - سمیه آقاجانی کلخوران^۲

۱. دانشجوی دکتری، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده دانشگاه الزهراء، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) رایانامه:

tayyebbeh.1986@yahoo.com

۲. دانشیار گروه مطالعات خارجی، دانشگاه مطالعات خارجی هانکوک، سنول، کره جنوبی.

چکیده

اطلاعات مقاله (۱۳۲-۱۱۷)

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۲۵

واژه‌های کلیدی: ماه‌پیشانی، گاو، ماه، اسطوره، باروری

از دیرباز، اسطوره‌ها در خودآگاه و ناخودآگاه ملل سهم بسزایی داشته‌اند. انسان در ابتدایی‌ترین برخورد خویش با ادبیات، یعنی داستان‌ها و لالایی‌های کودکان، همواره با اسطوره‌ها در ارتباط بوده است. داستان «ماه‌پیشانی» یکی از داستان‌های عامیانه کهن است که در طول حیات فرهنگ و تمدن ایرانی، شفاهی و کتبی، از نسلی به نسل دیگر منتقل شده است. این داستان مملو از اسطوره‌ها و باورهای ایرانی است. در پژوهش حاضر به روش توصیفی تحلیلی و با استفاده از منابع کتاب‌خانه‌ای صورت گرفته؛ به اسطوره ماه و گاو و کارکرد و برهم‌کنش آنها در داستان ماه‌پیشانی اشاره می‌کنیم و به این مطلب می‌پردازیم که چگونه این دو عنصر داستان را پیش می‌برند و شخصیت اصلی داستان را در مسیر و سفر خود برای رسیدن به مرحله باروری و آفرینش آماده می‌کنند. با توجه به بازنمود ماه و گاو به عنوان نماد زنانگی و باروری و همچنین بستر روایی داستان «ماه‌پیشانی»، این دو کهن‌الگو با روایت داستان کاملاً متناسب هستند. گاو که نماد اسطوره قربانی شونده است در حقیقت مادری است که به این صورت درآمده است. او با راهنمایی‌های خود دخترش را به چاهی هدایت می‌کند که نماد زنانگی است همانگونه که چاه و غار نیز در طول تاریخ به عنوان نمادهای زنانگی وجود داشته‌اند. در چاه، دختر سیرت زیبای خود را نشان می‌دهد و این شایستگی را می‌یابد که با شستن صورتش با آب در واقع ماه، یعنی نماد باروری را به دست آورد.

۱. مقدمه

داستان‌های عامیانه برآمده از متن جامعه خویشتن بوده‌اند. آنها فرهنگ، آداب و رسوم، بایدها و نبایدها و ترس‌ها، شادی‌ها و امیدهای مردمی را نشان می‌دهند که خاستگاه این افسانه‌ها هستند: «قدیمی‌ترین سرگذشت خدایان و کهن‌ترین توجهی که از کیفیت آفرینش و ایجاد طبیعت و انسان شده به صورت افسانه‌ها و اساطیر است. حتی احکام و دستورهای خدایان نیز در طی افسانه‌ها به افراد بشر ابلاغ می‌شود و علت و وجوب یا حرمت هر کار و امر یا نهی خدایان درباره امور مختلف را نیز افسانه نشان می‌داد.» (محبوب، ۱۳۸۶: ۱۲۲)

داستان‌ها و افسانه‌های کهن در هر جامعه‌ای نگهبان و انتقال‌دهنده فرهنگ، باورها و سنن هستند. با سپری شدن قرون و تغییر شرایط، دگرگونی‌هایی در این افسانه‌ها رخ داده، در برخی مناطق به گویش‌های خاص واژه‌هایی وارد آن شده و بر اساس باورها و ویژگی‌های قومی آن منطقه، مواردی به آنها افزوده یا از آنها کاسته شده است. به این ترتیب روایت‌های مختلفی از این داستان‌ها وجود دارد. گرچه به باور برخی این امر ممکن است به مرور آنها را کمرنگ کند اما از سوی دیگر آنها را بازآفرینی و حفاظت می‌کند و با شرایط وفق می‌دهد تا بتوانند به حیات خود ادامه دهند: «انسان جوامعی که در آنها، اسطوره، چیزی زنده است؛ در دنیای باز، هر چند دارای حروف و ارقام رمز و اسرارآمیز روزگار می‌گذراند. دنیا با آدمی سخن می‌گوید و برای فهم این زبان همین قدر کافی است که وی اساطیر را بشناسد و رمزهای آن را کشف کند.» (الیاده، ۱۳۸۶: ۱۴۵-۱۴۶)

به این ترتیب اقوام می‌توانند از راه حفظ و بازآفرینی این افسانه‌ها آنها را زنده نگاه دارند. ادبیات عامیانه در وجوه شفاهی و کتبی می‌تواند این مهم را بر عهده داشته باشد و برای قرن‌ها نیز چنین کرده است: «اعتبار بخشیدن به عقاید و آداب و مراسم قبیله‌ای یکی دیگر از نقش‌های فولکلور است و این مهم را به ویژه اسطوره‌ها بر عهده دارند.» (پراپ، ۱۳۷۱: ۲۱)

یکی از شیوه‌های نگاهداشت این اسطوره‌ها و انتقال آنها به نسل‌های بعد به کارگیری آنها به عنوان داستان‌هایی برای کودکان است. بسیاری از این داستان‌ها به مرور زمان در گروه ادبیات کودک جای گرفته‌اند. از این منظر داستان‌های عامیانه اهمیت بیشتری می‌یابند چرا که ذهن کودکان و نسل‌های آینده را شکل خواهند داد. به این ترتیب کارکرد داستان‌های عامیانه نه تنها نوعی انتقال فرهنگ بلکه کارکرد انتقال اندیشه و تعلیم ناخودآگاه را خواهند داشت. داستان ماه‌پیشانی، یکی از داستان‌های کهن و عامیانه ایرانی است که مشحون از اسطوره‌های

آفرینش و آشنای ادبیات فارسی است. این داستان که مانند بسیاری دیگر از قصه‌های کهن فارسی، به عنوان داستانی کودکانه نیز قلمداد می‌شود؛ بستر مناسبی برای بررسی اندیشه‌ها و گره‌های ذهنی گذشتگان ماست. از این رو و با توجه به حضور مؤلفه‌هایی چون مادر و دختر که وجهی از خانواده هستند این داستان انتخاب شده است تا با خوانش اسطوره‌ها و برهم‌کنش آنها بتوان نگاهی بهتر به ادبیات عامیانه و کودک در گذشته و به تبع آن خلق آثار بهتر در حوزه کودکان داشت.

۱-۱. بیان مساله و سوالات پژوهش

برای داشتن جامعه‌ای سالم و پویا به پرورش کودکانی نیاز داریم که آینده‌سازان آن باشند. بر این اساس امروزه همه بر این مسئله تأکید و باور دارند که آنچه بر فرد از هنگام شکل‌گیری جسمی و روانی‌اش می‌گذرد، بر شخصیت، باورها و در نهایت کنش‌های او مؤثرند و همین کنش‌های فردی و سپس جمعی هستند که جامعه بشری را شکل می‌دهند. به این ترتیب، کودکان و خاستگاه شکل‌گیری شخصیت آنها یعنی خانواده، و آنچه در خانواده رخ می‌دهد و آنچه در این کانون به کودک، خواسته یا ناخواسته، ارائه می‌شود بسیار حائز اهمیت است. یکی از عناصری که در روند رشد فرد با آن مواجه می‌شود، داستان‌ها، ترانه‌ها و لالایی‌هایی است که برای او بازگو می‌شود که حاوی اطلاعات مفید جامعه‌شناختی از فرهنگ آن مرز و بوم است. آثار یاد شده به ویژه به شکل غیرمستقیم بر ذهن و باورهای فرد اثرگذار هستند. در همین راستا این سوال مطرح است که قصه‌ها چگونه مبانی متعالی را مطرح کرده و انتقال می‌دهند؟ نحوه بیان قصه تا چه میزان در نشان دادن چگونگی شکل‌گیری شخصیت داستان موفق است؟

۱-۲. ضرورت، اهمیت و هدف پژوهش

با توجه به ارزش و اهمیت ادبیات و فرهنگی که در خانواده و در قالب ترانه‌ها، بازی‌ها، اشعار، داستان و لالایی‌ها ارائه می‌شود، در این پژوهش به بررسی یکی از داستان‌ها و افسانه‌هایی می‌پردازیم که در ظاهر کودکانه می‌نماید اما برگرفته از فرهنگ انسان‌هایی است که آن را در باورهایشان زیسته‌اند؛ بنابراین بررسی و به دنبال آن تبیین قصه‌های آموزنده برای کودکان با به کارگیری کهن‌الگوهای هر منطقه و فرهنگ بشری، کاری ضروری به نظر می‌رسد. به رغم اینکه این داستان کودکانه قلمداد شده است، لبریز از نمادهای مرتبط با زنانگی و باروری است. به این ترتیب با مطالعه این داستان و رمزگشایی نمادهای آن در نظر داریم برای

پژوهشگران خصوصاً کسانی که در حوزه کودکان فعالیت می‌کنند چراغ‌راهی را فراهم کنیم که به شیوه‌ای منطقی و فهم‌پذیر انتقال معنا و مفاهیم صورت بگیرد.

۱-۳. پیشینه پژوهش

در حوزه بررسی اسطوره‌ها در ادبیات فارسی پژوهش‌های بسیاری به شکل کتاب، پایان‌نامه و مقاله نگاشته شده است. به واسطه حضور پررنگ اسطوره‌ها در ادبیات عامیانه و شکل‌دهی این عناصر به این ادبیات، اسطوره‌ها در ادبیات عامیانه نیز به کرات موضوع پژوهش‌های مختلف بوده‌اند و پرداختن به آنها از حوصله این پژوهش خارج است. آزیتا رفیعی سرشکی (۱۳۹۰) مقاله‌ای با عنوان «رد پای اسطوره در قصه ماه‌پیشانی» نگاشته است. پژوهشگر در این مقاله از اسطوره‌های مطرح شده در این داستان یاد می‌کند و به تفصیل درباره نقش اسطوره‌ای زنان سخن می‌گوید همچنین به اسطوره‌های ماه و گاو نیز اشاراتی دارند که بیشتر به سابقه این اساطیر در تاریخ باستان ایران زمین می‌پردازد. بهار مختاریان (۱۳۸۷) در مقاله «گاو سرمایه، گرزگاو و ماه‌پیشانی» به اسطوره گاو در چندین روایت ایرانی اشاره می‌کند که یکی از آنها ماه‌پیشانی است. همچنین نگارنده به ارتباط ماه و گاو در اساطیر ایرانی اشاره می‌کند اما این برهم‌کنش در داستان ماه‌پیشانی توضیح داده نمی‌شود. در پژوهش حاضر به اسطوره ماه و گاو و کارکرد و برهم‌کنش آنها در داستان ماه‌پیشانی اشاره می‌کنیم و به این مطلب می‌پردازیم که چگونه این دو عنصر داستان را پیش می‌برند و شخصیت اصلی داستان را در مسیر و سفر خود برای رسیدن به مرحله باروری و آفرینش آماده می‌کنند، مرحله‌ای که دوام و حیات بشر بدان وابسته است.

۲. پردازش تحلیلی موضوع

۲-۱. اسطوره‌ها در داستان ماه‌پیشانی

۲-۱-۱. خلاصه داستان

ماه‌پیشانی، دختری زیباست که در روایت‌های مختلف این داستان، اسامی مختلفی دارد. او از مهر و محبت پدر و مادر برخوردار است اما زنی که در برخی روایت‌ها معلم و در روایت‌های دیگر خاله ماه‌پیشانی است؛ او را فریب می‌دهد تا مادرش را بکشد و اسبابی فراهم کند تا او

نامادری‌اش شود. مادر عموما به واسطه انداخته شدن در خمره سرکه کشته می‌شود و معمولا به گاو زردی بدیل می‌گردد. نامادری با دختر زشت‌روی خود وارد خانه آنها می‌شود و این دختر و مادر، ماه‌پیشانی را بسیار آزار و اذیت می‌کنند. نامادری او را برای رسیدن حجم زیادی از پنبه و چراندن گاو زرد به صحرا می‌فرستد اما ماه‌پیشانی نمی‌تواند این کار غیرممکن را انجام دهد. گاو با خوردن پنبه و تحویل دادن نخ او را یاری می‌دهد. روز بعد او برای برداشتن پنبه‌ها از چاهی که باد آنها را بدانجا انداخته، از کمک و راهنمایی گاو استفاده می‌کند تا رضایت دیوی را جلب کند که در چاه است. به این ترتیب ماه‌پیشانی صورتش را با آب سفید می‌شوید و ماهی در پیشانی و ستاره‌ای در چانه‌اش ظاهر می‌شود. نامادری چنین چیزی را برای فرزند خود می‌خواهد اما از آنجا که دخترش با بی‌ادبی و بی‌تفاوتی با درخواست‌های دیو برخورد می‌کند؛ با راهنمایی دیو صورتش را با آب زرد یا سیاه می‌شود و همین سبب رویش مار و عقرب روی صورتش می‌شود. نامادری که می‌داند راهنمایی‌های گاو زرد سبب این اتفاق شده؛ با راهکاری او را به کشتن می‌دهد. ماه‌پیشانی که زیباتر شده است؛ در ادامه از یاری دیو بهره می‌برد و به همسری شاهزاده در می‌آید. نامادری سعی می‌کند دختر خود را به ازدواج وزیر درآورد اما در نهایت تمام ماجرا آشکار می‌شود و ماه‌پیشانی دستور به کشتن نامادری و دخترش می‌دهد. با خواهش ماه‌پیشانی، دیو گاو زرد را به شکل مادرش برمی‌گرداند و آنها به خوبی و خوشی با هم زندگی می‌کنند.

۲-۱-۲. اسطوره‌های داستان

اسطوره‌ها در داستان ماه‌پیشانی مانند دیگر داستان‌های عامیانه ما بسیار هستند و نقش اساسی دارند. در این داستان اسطوره‌های آشنا مانند ماه، گاو، مار و عقرب، آب، خروس و کارکرد رنگ‌های مختلف را می‌توان مشاهده کرد. در این میان، اسطوره‌های گاو و ماه برجسته‌تر هستند و داستان تحت تأثیر حضور و کارکرد آنها شکل می‌گیرد. مار با بازنمایی منفی به دلیل بدجنس بودن و نامهربانی نامادری و دخترش ایجاد می‌شود. کشتن او ممکن نیست شاید به این دلیل که شر یعنی مادر و دختر زشت‌کار تا پایان داستان متنبه نمی‌شوند. رویداد این مار سیاه نامیرا بر پیشانی دختری که ظاهر و باطنی زشت دارد، می‌تواند یادآور مارهای ضحاک باشد. خروس، پرنده‌ای است که در مقام یاری‌دهنده شخصیت اصلی داستان (مانند گاو ولی کمرنگ‌تر از آن) ظاهر می‌شود. در برخی داستان‌ها، آب سیاه و در برخی داستان‌ها آب زرد همان ماده‌ای است که سبب رویداد مار یا زگیلی سیاه، روی صورت دختر

نامادری می‌شود. در حالی که آب سفید و بلورین سبب ظهور ماه بر صورت دختر می‌شود. آب تطهیرکننده و مانند آتش گونه‌ای «ور» است یعنی می‌تواند سبب تفکیک راست و دروغ یا خیر و شر شود. در روایت‌های مربوط به ماه‌پیشانی، رنگ سیاه و زرد منفی و رنگ سفید مثبت در نظر گرفته شده است. از میان این اساطیر اینک به بررسی دو اسطوره گاو و ماه در این داستان می‌پردازیم و ارتباط این دو با یکدیگر را بررسی می‌کنیم.

۲-۱-۲-۱. اسطوره‌های گاو و ماه در داستان ماه‌پیشانی

الف. اسطوره گاو

حضور اسطوره گاو در این داستان از جایی آغاز می‌شود که ماه‌پیشانی با انداختن مادر خود در خمره سرکه سبب مرگ او می‌شود و وقتی نامادری در خمره را برمی‌دارد؛ گاو زردی از آن خارج می‌شود. نامادری معتقد است این گاو، مادر ماه‌پیشانی است و او را به طوبله می‌برد تا از زندگی خود دور کند. این گاو زرد است که در برخی روایت‌ها خود گاو کشته می‌شود و در برخی روایت‌ها همزاد و مشابه آن توسط دیو جایگزین می‌شود تا گاو اصلی زنده بماند.

درباره اسطوره گاو دو نکته وجود دارد. ابتدا ارتباط آن با ماه و سپس ارتباط آن با زن. اسطوره گاو همواره در ادبیات و معماری ایران وجود داشته است. در ابتدا نخستین خلقت شامل انسان، حیوان (گاو) و گیاه بوده است: «کیومرث بر سوی چپ و گاو بر سوی راست هرمز آفریده شدند ... او از روشنی و سبزی آسمان نطفه مردمان و گاوان را فراز آفرید.» (دادگی، ۱۳۷۸: ۴۱)

گاو با تمام ویژگی‌های سود رسانش مانند شیر او در زمان حیات و گوشت و پوست در زمان مرگ، در طول تاریخ حیوان مفیدی بوده است. در تاریخ اسطوره‌های ایران نیز گاوهای متعدد و مشهوری وجود داشته‌اند. در این میان می‌توان به قرار داشتن زمین بر شاخ گاو اشاره کرد. همچنین در شاهنامه، پس از کشته‌شدن آبتین، فرانک فریدون را به مرغزاری می‌برد و او را به گاوی می‌سپارد تا پرورش دهد. فریدون از شیر این گاو که سرمایه نام دارد تغذیه می‌کند و جوان برومندی می‌گردد.

اولین برخورد گاو و ماه‌پیشانی زمانی است که مهلت ماه‌پیشانی برای رسیدن پنبه‌ها خاتمه‌یافته و او مستأصل شده است. در اینجا گاو پنبه‌ها را می‌خورد و نخ از بدن او خارج می‌شود. در مواجهه دوم، ماه‌پیشانی در صحرا در حال نخ‌ریسی است که باد پنبه‌ها را داخل چاهی می‌اندازد. گاو او را راهنمایی می‌کند تا به داخل چاه برود و چگونه با دیو صحبت کند

تا زنده بماند و مشکلی برای او ایجاد نشود. گاو می‌داند که دیو چه خواهد گفت و به ماه‌پیشانی (که تا قبل از رفتن به چاه و بازگشت از آن در این روایت شهربانو نام دارد) می‌آموزد که چه باید بگوید. تا اینجا گاو چند ویژگی جادویی دارد، تبدیل پنبه به نخ با خوردن آن، سخن گفتن و در نهایت آگاه بودن از اسراری درباره آنچه در چاه می‌گذرد و کسی که در چاه است. پس از این ملاجی یا همان نامادری حدس می‌زند که: «نکنند این مادر شهربانو باشد» (مهتدی، ۱۳۸۹: ۳۵) تصمیم می‌گیرد او را از بین ببرد. برای این کار، تمارض می‌کند و با حکیم تباری می‌کند که دوا می‌دهد او را گوشت گاو زرد اعلام کند. به این ترتیب گاو قربانی می‌شود اما در واقع ماه‌پیشانی که نگران کشته شدن مادرش است؛ از دیو کمک می‌گیرد و دیو گاو - مادر را با همزاد او یعنی گاو دیگری جایگزین می‌کند. گاو زرد می‌تواند یادآور گاو زرد بنی‌اسرائیل باشد که با کشتن آن و تماس بخشی از بدنش با بدن مقتول، او را زنده کردند: «گفت: خدا می‌فرماید: گاو ماده‌ای باشد زرد یک‌دست که رنگ آن بینندگان را شاد و مسرور سازد» (قرآن کریم، بقره، آیه ۶۹) به طرز شگفتی ماده بودن و زرد بودن گاو بنی‌اسرائیل و گاو داستان ماه‌پیشانی مشابه است. در تاریخ باستان ایران و بشر، قربانی کردن برای تقرب به خدایان انجام می‌شده است: «گرفتن زندگانی موجود زنده‌ای (اعم از انسان، حیوان و نبات) از راه کشتن، سوزاندن، دفن کردن و یا خوردن به منظور تقرب به خدایان و جلب نظر آنان» (مصاحب، ۱۳۸۰: ۲۵۳۳)

قربانی‌ها معمولاً به صورت غذا و گیاهان بوده‌اند و یا ریختن خون حیوانی که به خدایان تقدیم می‌شده است. ایرانیان در ابتدا و در زمان آیین میترائیسم دامدار بودند؛ بنابراین قربانی کردن گاو امری غیرمعمول نبوده است. همچنین کتیبه‌ها و نقاشی‌های یافت شده از دوران باستان نشان‌دهنده عمل قربانی کردن گاو به عنوان آیینی عبادی و نمادین بوده است: «معابد و غارهای مه‌ری نیز با حاشیه گل و گیاه تزئین می‌شدند که گویای تاثیر شگفت‌انگیز عمل قربانی گاو بود. وقتی گاو به حال تشنج ناشی از احتضار می‌افتاد خونی که از او بیرون می‌آمد گندم‌ها را آبیاری و تغذیه می‌کرد.» (ورمازن، ۱۳۹۳: ۸۲)

در پاره‌ای از اساطیر ما، قربانی شدن گاو سبب آغاز آفرینش بوده است: «کشته شدن گاو نخستین خود سبب آفرینش زمین بوده است... اهورامزدا یا مهر پس از شش روز آفرینش جهان در روز هفتم به استراحت می‌پردازد در این زمان آفرینش جهان به برکت خون گاو نخستین به اتمام رسیده است.» (دوانی، ۱۳۹۴: ۱۷) ایزدان مهر، میترا و حتی جمشید نیز

کشتن و خوردن گوشت گاو را مایه نامیرایی برای خود و پیروانشان می‌دانسته‌اند: «خدایان و شاهان اساطیری دوره مهرپرستی گاو اوژن‌اند به این طریق که با کشتن گاو و خوردن گوشت آن به مؤمنین خویش به همراه نوشابه بی‌مرگی اکسیر جاودانگی را در اختیار آنان قرار می‌دهند. در مورد جمشید و مهر گواه بسیاری بر گاو اوژنی ایشان وجود دارد.» (خسروی، ۱۳۸۳: ۸۵)

در این داستان نیز نامادری در پی کشتن گاو است اما دیو، از کشته شدن گاو اصلی یعنی مادر جلوگیری می‌کند. به این ترتیب این سوال پیش آمد که چرا در روایت‌های مختلف این داستان (که حتی در برخی گاو-مادر کشته می‌شود) به ماه‌پیشانی اکیداً توصیه می‌شود که به هیچ عنوان از گوشت این گاو نخورد. کشتن گاو همیشه جنبه مثبت و آیینی نداشته و باید کشنده گاو دلیل محکمی برای قربانی کردن او می‌داشته است.

همچنین به نظر می‌رسد زرتشت، کشتن چهارپایان را امری نامطلوب می‌داند و پیروان خود را به پرهیز از این کار دعوت می‌کند: «همچنین در گاتاها - یعنی قدیمی‌ترین قسمت اوستا - نیز زرتشت این امر را مذموم می‌شمارد و بر کسانی که گاو را با فریاد و شادمانی قربانی می‌کنند نفرین می‌فرستد.» (رضی، ۱۳۷۹: ۹۱)

گویا زرتشت مردم را به نگهداری از این موجود و استفاده از فواید آن فرامی‌خواند. برخی این عمل زرتشت را مقابله با آیین مهرپرستی و تلاش او برای از بین بردن نشانه‌های آن و چندخدایی می‌دانند. نیز زرتشت خود از خاندانی دامپرور بوده است و این امر می‌تواند یکی از دلایل توصیه او به نگهداری از این موجود و چهارپایان دیگر و نه قربانی کردن آنها باشد: «زرتشت خود از تیره‌ای که جزء پرورش‌دهندگان گاو بودند برخاسته است و این تیره که منظور از آن قبیله فریانه است از لحاظ اجتماعی دارای موقعیت خاصی بودند.» (آذرنیوش، ۱۳۹۶: ۱۰۷)

بهار نیز معتقد است که گاو «قربانی شونده است و به عنوان ایزد شهید شونده در اساطیر ایرانی از آن یاد می‌شود اما آیین‌ها توجیه اسطوره‌ای‌شان عوض می‌شود. آیین گاوکشی در دین زرتشتی و قبل از آن در میان آریاییان عمل ضد زرتشتی و آریایی بدل می‌شود. این قربانی برای روستاییان برابر با از میان رفتن مزرعه‌شان بوده و بین مرگ و زندگی محسوب می‌شده است.» (بهار، ۱۳۷۷: ۲۹۸) به این ترتیب کشتن گاو مذموم می‌شود و کشدگان آن به دیوان و عناصر منفی داستان‌ها تبدیل می‌شوند: «تعمق در آثار باقی مانده از فرهنگ آریایی در عصر پیش از زرتشت، نشان می‌دهد که ایزدانی که در آن دوره مورد پرسش واقع می‌شدند

در دوره زرتشت تبدیل به دیوان می‌شوند و در جامعه گاتی از آنها به عنوان دیوان و عوامل مضر در جامعه یاد می‌شود اینان به نوعی همان دشمنان و کشندگان گاو هستند.» (دیاکونوف، ۱۳۷۹: ۴۷۶) همانگونه که در این داستان نامادری تمام ویژگی‌های منفی را داراست کشنده گاو می‌گردد. او با فریب شهربانو ماه‌پیشانی سبب مرگ یک مادر شده و این دختر را نیز آزار می‌دهد. «بنا بر سنت زرتشتی نخستین انسان و نخستین حیوان کامل و بی‌مرگ آفریده شدند و تا وقتی اهریمن به آنها تاخت آورد... گاو که آسیب‌پذیرتر بود اول مُرد و مُرد سی روز پس از او.» (کراسنولسکا، ۱۳۸۲: ۱۰۲-۱۰۳) در حقیقت نامادری اهریمن است، خیرخواه نیست و به این ترتیب ویژگی‌های لازم برای تبدیل شدن به شخصیت منفی و کشنده گاو را دارد.

مادر بدون هیچ چشمداشتی حتی پس از تبدیل شدن به گاو نیز همچنان به دخترش کمک می‌کند. او ماه‌پیشانی را به دست نیرویی برتر یعنی دیو می‌سپارد که می‌تواند از طریق جادو، کارهای خارق‌العاده‌ای انجام دهد و شهربانو را به ماه‌پیشانی تبدیل کند. در پایان داستان نیز، گاو را دوباره به شکل مادر برمی‌گرداند. با کشته شدن مادر و گاو دوران جدیدی از زندگی و حیات آغاز می‌گردد. دورانی که ماه‌پیشانی در آن مسیری را طی می‌کند تا زیبا شود و به همسری پادشاه یا شاهزاده انتخاب شود، نقطه‌ای که سفر معنوی و مادی ماه‌پیشانی برای رسیدن به نقطه باروری و آفرینش حیات به اتمام می‌رسد و کامل می‌شود.

ب. اسطوره ماه

ماه از دیرباز مورد توجه ملل و اقوام مختلف بوده است. در ادبیات فارسی نیز ماه با ویژگی گرد و روشن بودن همواره مشبیهی برای صورت زیبارویان بوده است: «در ادبیات فارسی ماه بیشتر مظهر زیبایی و نمونه علو و بلندی است و در ارتباط با این مفاهیم است که کنایات و استعارات و ترکیبات متعددی از قلم خیال‌آفرین شعرای ایران تراوش کرده و به خصوص زیبایی زنان به ماه مانند شده است.» (یاحقی، ۱۳۶۹: ۳۸۵) همچنین به دلیل دور بودن و عدم دسترسی، نماینده معشوق دست نیافتنی شده است.

ماه پیشینه‌ای همراه با تقدس دارد: «در ماه‌یشت از روشنی ماه که از آن به فرّ تعبیر شده، سخن رفته و خاطر نشان شده است که امشاسپندان برمی‌خیزند آن فرّ را فراهم می‌آورند و بر زمین اهوره آفرید پخش می‌کنند.» (دوستخواه، ۱۳۷۵: ۳۲۶) همچنین همراه با پرستش بوده است: «در میان اقوام آریایی ساکن ایران که در هزاره دوم پیش از میلاد به ایران مهاجرت کردند، پرستش ماه به صورت نمادین ایزدبانو آناهیتا جلوه‌گر شد. بغ‌دخت آناهیتا نماد آب‌های

پاک، فراوانی، باروری، برکت، عشق، زناشویی، زایش و پیروزی است.» (آورزمانی، ۱۳۹۰: ۸) به این ترتیب ارتباط ماه و آب نیز همه جا قابل مشاهده است.

ماه، با افزایش زیبایی ماه‌پیشانی سرنوشت او را تغییر می‌دهد. ماه‌پیشانی که به خاطر اشتباه خود و کشتن مادرش در خانه خود، به کنیزی تبدیل شده است، به خاطر این زیبایی می‌تواند همسر شاهزاده شود. پس از پیدایش ماه بر صورت ماه‌پیشانی، نور آن تاریکی شب را روشن می‌کند و مسیر ماه‌پیشانی را برایش آشکار می‌کند: «حالا دیگر آفتاب غروب کرده بود، هوا داشت تاریک می‌شد. ولی شهربانو دید به عکس همیشه که بعد از غروب، هوا که تاریک می‌شد چشمش جایی را نمی‌دید، پیش پاش روشن است و چشمش همه جا را می‌بیند.» (مهتدی، ۱۳۸۹: ۴۰) با توجه به اینکه ماه‌پیشانی پس از رویش ماه بر پیشانی، مسیری متفاوت از قبل را طی می‌کند می‌توان این روشن شدن مسیر در صحرا را به روشن شدن مسیر زندگی و هدف او که همانا ازدواج با بالاترین مقام موجود در جامعه و رسیدن به مرحله فرزندآوری دانست:

ماه از شستن صورت با آبی سفید یا بلورین در چاه یا در برخی داستان‌ها با دعای پیرزن یا پیرمرد پدیدار می‌شود. در روایت‌های مختلف داستان ماه‌پیشانی، او دختر زیبایی است. گاهی این زیبایی ظاهری عنوان می‌شود و گاهی در مقام مقایسه با دختر نامادری متوجه می‌شویم که ماه‌پیشانی زیباتر از آن دختر است. بنابراین با اضافه شدن ماه و نور او به صورت ماه‌پیشانی، او زیباتر می‌شود و به گونه‌ای زیبایی او تکمیل می‌شود. وقتی ماه‌پیشانی برای آوردن پنبه‌های افتاده در چاه با دیو روبرو می‌شود و طبق تعلیمات گاو-مادر با برخورد درست با دیو موفق می‌شود هم پنبه‌ها را بردارد و هم زیبایی او را بیشتر کند. دیوی که هرچه می‌گوید باید عکس آن را انجام داد، ماه‌پیشانی را بر آن می‌دارد که از آب سفیدی که در چاه است به صورت خود بزند: «نگو وقتی آب سفید یعنی آب مروارید را به صورتش زد، یک ماه در پیشانی‌اش درآمد» (مهتدی، ۱۳۸۹: ۴۰) در اینجا نیز ارتباط ماه و آب را به خوبی می‌توان مشاهده کرد.

الیاده به رابطه آب، ماه و مروارید اشاره می‌کند. مرواریدی را که زنان به گردن می‌آویزند با آب مرتبط می‌داند و می‌گوید این مطلب همواره با بارگیری در ارتباط بوده است. همچنین صدف (مروارید) را رمز ماه می‌داند. (الیاده، ۱۳۷۲: ۴۱۱) اثر ماه بر باران و سطح آب دریاها نیز همیشه مطرح بوده است. در حقیقت زدن آب به صورت و به دنبال آن پیدایش ماه بر پیشانی

مقدمات ازدواج ماه‌پیشانی ا فراهم می‌کند. او به واسطه این زیبایی مورد توجه شاهزاده قرار می‌گیرد، بالاترین مقامی که قدرت و ثروت دارد و به این ترتیب به مرحله باروری و زایش و خلق حیات وارد می‌شود. به واقع ماه عامل باروری او می‌شود، آنچه نمونه‌های آن در باورهای پیشینیان ما وجود دارد: «...و در هنگامی که ماه روشنایی بتابد همیشه در بهار گیاه سبز از زمین برآید. من می‌ستایم ماه حامل نژاد ستوران را بغ تابنده، سودمند، سبزی رویاننده، آباد کننده و درمان دهنده را.» (پورداود، ۱۳۵۶: ۳۲۳) از آنجا که خورشید در مباحث نجومی، پادشاه آسمان است، شاید بتوان شاهزاده یا پادشاه را رمز خورشید دانست به این ترتیب این باهم‌آیی و کنار هم قرار گرفتن خورشید (پادشاه یا شاهزاده) و ماه (ماه‌پیشانی) می‌تواند وجه تازه‌ای به خود بگیرد.

به نظر می‌رسد زیبایی صورت این دختر با زیبایی سیرت یعنی یاری رساندن به دیگران چه دیو و چه پیرزن و پیرمرد کامل می‌گردد و به عنوان پاداشی به او داده می‌شود. ماه‌پیشانی هنگام خروج از چاه و برداشتن پنبه، طلاها را می‌بیند اما آنها را بر نمی‌دارد و به این ترتیب پاداش خود را دریافت می‌کند. به نظر می‌رسد آب، همانگونه که در دوران باستان، می‌توانست سبب تمیز درست و نادرست و خوبی و بدی باشد و نوعی تطهیر کننده است در این داستان نیز سیرت حقیقی افراد را نشان می‌دهد. سیرت زیبای ماه‌پیشانی ماهی بر چهره او می‌شود و سیرت زشت دختر نامادری، مار و عقرب.

باور به ارتباط ماه و باروری زنان از دیرباز در آثار فرهنگی به جا مانده قابل مشاهده است: «از موضوعات جالبی که در حفاری‌های شوش به چشم می‌خورد نقش تعدادی زن برهنه ایستاده است که دستشان را به هم دادند. از آنجا که دیگر نمادهای ماه نیز همراه ایشان به چشم می‌خورد رابطه زن و ماه در این دوران محقق می‌شود. این تصویر هاله دور ماه را به یاد می‌آورد و وعده باران را که نشانه باروری است. رابطه زن و باروری از ابتدای تفکر بشر وجود داشته است و نشانه‌هایی از الهه باروری در بسیاری از تمدن‌ها من جمله در سرزمین ما به چشم می‌خورد. بر روی سفال‌های این دوران این نقش را اگر من اولین نشانه ظهور الهه باروری و پیوند او با ماه می‌دانم.» (صمدی، ۱۳۶۷: ۲۲-۲۳) به این ترتیب، رابطه ماه، آب و زن همواره مورد توجه و بخشی از باور اساطیری ما بوده است.

۲-۱-۳. ارتباط اسطوره‌های گاو و ماه

«در میان نقش‌های برجسته پلکان‌های آپادانا صحنه ویژه‌ای را نیز می‌توان دید و آن نبرد شیر و گاو است. دریده شدن گاو که خود مظهر ماه، برکت بخشنده است به دست شیر یک نماد برکت بخشی است.» (بهار، ۱۳۸۴: ۱۲۲) همچنین مختاریان در پژوهش خود عنوان می‌کند که «در فرهنگ هند و ایرانی گاو تصویری از ایزد ماه است در ریگ ودا، سومه Soma خدای ماه، با صفت «گاو» و «قوی» همراه است؛ چون ماه باز نمود گاو بوده است» (مختاریان، ۱۳۷۸: ۱۳۱) در این داستان، پس از ظهور ماه (نماد باروری) بر صورت ماه‌پیشانی، شاهزاده او را برای همسری برمی‌گزیند. نباید این مطلب را نادیده گرفت که ازدواج یا هدف ویژه آن در بسیاری از باورها یعنی آفرینش و ادامه نسل، تا اندازه‌ای مهم دانسته شده که تمام عوامل ماورایی مانند ماه، گاو زرد، دیو، خروس و آب با تمام توان خاصیت جادویی خود را به کار می‌گیرند تا این امر محقق گردد.

اگرچه به نظر می‌رسد کشته شدن گاو، ممکن است حلقه این رخدادهای جادویی را منقطع کند اما همانگونه که پیش از این بیان شد، قربانی شدن به عنوان راهی برای زندگی دوباره است: «چنین است که در آیین مهر گاو که نماد ماه و زمستان است به دست مهر نمود خورشید و تابستان کشته شده و از تن او نباتات بسیار پدید می‌آید.» (راسل هینلز، ۱۳۸۳: ۴۵۸) به نظر می‌رسد گاو-مادر قربانی می‌شود و به گونه‌ای استحاله مادر در دختر روی می‌دهد زیرا این قربانی منتهی به ازدواج ماه‌پیشانی می‌گردد. در پایان داستان و پس از این ازدواج و نابودی نامادری و دخترش که نماد اهریمن هستند، طلسم گاو-مادر توسط دیو شکسته می‌شود و گاو زرد به شکل مادر به حیات و زندگی ماه‌پیشانی باز می‌گردد. نامادری به عنوان نماد اهریمن تلاش می‌کند گاو-مادر را از بین ببرد تا بتواند حیات و زندگی و زایش را از بین ببرد اما گاو، ماه‌پیشانی را به چاهی راهنمایی می‌کند که می‌تواند در آن ماه را بیابد، مادر راهنمای دختر خویش برای رسیدن به باروری می‌گردد تا زندگی نسل بشر و حیات ادامه یابد.

۳. نتیجه‌گیری

اساطیر نموده‌های گوناگون و مختلفی در داستان‌های عامیانه دارند و نمایانگر فرهنگ‌هایی هستند که از آن برخاسته‌اند. در این داستان نیز اسطوره‌های گاو و ماه نقش بارز و سرنوشت‌سازی دارند. برهم‌کنش این دو اسطوره و ارتباط کهن میان آنها در این داستان

به‌خوبی نمایان است. گاو که نماد قربانی شونده است؛ در حقیقت مادری است که قربانی شده و به این صورت درآمده است. او با راهنمایی‌های خود دخترش را به چاهی هدایت می‌کند که درواقع نماد زنانگی است همانگونه که چاه و غار و دیگر نمادهای زنانگی در طول تاریخ وجود داشته‌اند. در چاه، دختر سیرت زیبای خود را نشان می‌دهد و این شایستگی را می‌یابد که با شستن صورتش با آب، ماه یعنی نماد باروری را به دست آورد. به این شکل او به مرحله بلوغ می‌رسد، صورت و سیرت زیبا را با هم کسب می‌کند و شایسته ازدواج و باروری می‌گردد. در این داستان ارزش و میل به ادامه حیات در بشر را به وضوح می‌توان دید. میلی که سبب می‌شود تمام اسطوره‌ها یعنی خروس، دیو، زن اهریمنی، ماه، آب و گاو دست به دست یکدیگر دهند تا آن را محقق سازند. این شیوه تحلیل و رمزگشایی می‌تواند چراغ راه پژوهشگرانی قرار گیرد که معنای سمبلیک اساطیر آن‌ها را برای دستیابی به حقیقت ترغیب می‌کند.

کتاب‌شناسی

قرآن کریم

آذرنیوش، زهرا (۱۳۹۶)، «دوگانگی اجتماعی فرهنگی در اوستا»، *نشریه تاریخ روایی*، سال ۲، شماره ۵، صص ۱۰۲-۱۲۰

الیاده، میرچا (۱۳۷۲)، *رساله در تاریخ ادیان*، ترجمه جلال ستاری، چاپ اول، تهران: سروش

الیاده، میرچا (۱۳۸۶)، *چشم اندازهای اسطوره*، ترجمه جلال ستاری، چاپ ۲، تهران: توس

بهار، مهرداد (۱۳۷۷)، *از اسطوره تا تاریخ*، چاپ ۲، تهران: چشمه

بهار، مهرداد (۱۳۸۴)، *پژوهشی در اساطیر ایران* (پاره نخست و دوم)، چاپ ۵، تهران: آگاه

پراپ، ولادیمیر (۱۳۷۱)، *ریشه‌های تاریخی قصه‌های پریان*، ترجمه فریدون بدره‌ای، چاپ ۳، تهران: توس

خسروی، یلدا (۱۳۸۳)، «انوشکی در ایران باستان»، *کتاب ماه هنر*، شماره ۷۵ و ۷۶، صص ۸۴-۹۷ دادگی، فرنخ (۱۳۶۹)، *بندهشن*، ترجمه مهرداد بهار، تهران: توس

دوانی، فزونه، فشارکی، محمد (۱۳۹۴)، «بازتاب نمادین قربانی میترايي اسطوره کشتن گاو نخستین در هفت پیکر نظامی»، *متن‌شناسی ادب فارسی*، شماره ۲، صص ۱-۲۰

دیاکونوف، ایگور میخایلوویچ (۱۳۷۹)، *تاریخ ماد*، ترجمه کریم کشاورز، چاپ ۵، تهران: علمی و فرهنگی

راسل هینلز، جان (۱۳۸۳)، *شناخت اساطیر ایران*، ترجمه محمد حسین باجلان فرخی، تهران: اساطیر

رضی، هاشم (۱۳۷۹)، «اساطیر و هنر میترايي»، *کتاب ماه هنر*، شماره ۲۵ و ۲۶، صص ۹۰-۹۴ رفیعی سرشکی، آزیتا (۱۳۹۰)، «رد پای اسطوره در قصه ماه‌پیشانی»، *نشریه فرهنگ و مردم*، شماره ۳۹، صص ۱۱۳-۱۲۵

صمدی، مهرانگیز (۱۳۶۷)، *ماه در ایران از قدیم‌ترین ایام تا ظهور اسلام*، تهران: علمی و فرهنگی کراسنووولسکا، آنا (۱۳۸۲)، *چند چهره کلیدی در اساطیر گاه‌شماری ایرانی*، ترجمه ژاله متحدین، تهران: ورجاوند

محبوب، محمدتقی (۱۳۸۶)، *ادبیات عامه ایران*، مجموعه مقالات درباره افسانه‌ها و آداب و رسوم مردم ایران (جلد اول و دوم)، به کوشش دکتر حسن ذوالفقاری، چاپ سوم، تهران: چشمه

مختاریان، بهار (۱۳۷۸)، «گاو سرمایه، گرزگاو و ماه‌پیشانی»، *نامه فرهنگستان*، شماره ۳۸، صص ۱۲۵-۱۳۵

مصاحب، غلامحسین (۱۳۸۱)، *دایره‌المعارف فارسی* (جلد دوم)، چاپ ۲، تهران: امیرکبیر

مهتدی (صبحی)، فضل‌الله (۱۳۸۹)، *افسانه‌ها*، جلد ۳، تهران: فرهنگ و هنر
ورمازن، مارتین (۱۳۹۰)، *آئین میترا*، ترجمه بزرگ نادرزاد، چاپ ۸، تهران: چشمه
یاحقی، محمدجعفر (۱۳۶۹)، *فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی*، تهران،
سروش

Representation and interaction of the myths of the cow and the moon in the story of the Mahpishani

Tayyebeh Sheikhveisi^۱ - * Somayeh Aghajani Kalkhoran^۲

^۱ Doctoral student Department of Persian Language and Literature Faculty of Al Zahra University Tehran Iran Responsible author Email tayyebeh@yahoo.com

^۲ Professor Department of Foreign Studies Hankook University of Foreign Studies Seoul South Korea

Article Info (۱۱۷-۱۳۲)

ABSTRACT

Article type:
Research Article

Article history:

Received:
۲۴ September ۲۰۲۲

Accepted:
۱۴ February ۲۰۲۳

Keywords:
Mahpishani
Cow
Month
The myth
Fertility

Since long ago, myths have played a significant role in the conscious and unconscious of nations. Humans were always in contact with myths in their most basic contact with literature, i.e., children's stories and lullabies. The "Mahpishani" story is one of the ancient folk tales that was passed down from one generation to another, orally and in writing, throughout the Iranian culture and civilization. This story is full of Iranian myths and beliefs. The present study, which was carried out in a descriptive-analytical method and by library sources, mentions the moon and the cow myths and their function and interaction in the Mahpishani story. In addition, it was discussed how these two elements advance the story and prepare the story's main character for his journey to reach fertility and creation. Considering the representation of the moon and the cow as symbols of femininity and fertility and the narrative base of the "Mahpishani" story, these two archetypes are completely compatible with the story narration. The cow, the symbol of a being sacrificed myth, is a mother who has transformed.

With guidance, she leads her daughter to a well, the femininity symbol. The well and the cave have been symbols of femininity throughout history. At the well, the girl reveals her beautiful nature and finds merit in obtaining the moon, the fertility symbol, by washing her face with water.
